



Review of the article of Ali Ibn Abi Talib (AS) from Leiden Encyclopedia of the Quran*

Ali Ghanei¹

Fatemeh Moradi²

Abstract

Whereas the Leiden Encyclopedia of the Qur'an is a scientific reference for English-speaking scholars to understand Islam and the higher teachings of the Qur'an; it is also necessary to check and determine the validity of its articles; therefore, the present article, by referring to library sources and descriptive-analytical method and observing the principle of fairness and realism, has studied and scientifically criticized the article of Ali ibn Abi Talib (AS) from this encyclopedia. The findings of the leading research indicate that the author of this subject - Ali Asani - was not only incapable of a complete and comprehensive introduction of Imam Ali (as), but also due to the lack of reference to numerous and original Shiite sources, he has not stated correctly and accurately some of the virtues of this great Imam. This inaccurate statement, in addition to distorting the truth, has also deprived the audience of this encyclopedia of a correct understanding of the true face of the greatest figure in the Islamic world after the Messenger of God (PBUH).

Keywords: Ali Ibn Abi Talib, the Virtues of Ali (AS), Ali Asani, Leiden Quran Encyclopedia, Orientalists.

*. **Date of receiving:** 22 September 2020, **Date of approval:** 3 May 2020.

1. Doctor of Quranic Interpretation and Science; Lecturer of the seminary and the university: Ghanei83@yahoo.com.

2. Graduated from the third level of Qur'anic exegesis and sciences of Jami'at al-Zahra in Qom: barbalemalaek1355@gmail.com.



بررسی مقاله علی بن ابی طالب (ع) «EQ»*

علی قانعی^۱ و فاطمه مرادی^۲

چکیده

از آنجایی که دایرةالمعارف قرآن لیدن مرجعی علمی برای پژوهشگران انگلیسی زبان در جهت شناخت اسلام و معارف والای قرآن محسوب می گردد؛ بررسی و تعیین میزان اعتبار و انتقان مقالات آن نیز امری لازم و ضروری است؛ لذا نوشتار حاضر با مراجعه و استناد به منابع کتابخانه ای و روش توصیفی - تحلیلی و با رعایت اصل انصاف و واقع نگری، به بررسی و نقد علمی مقاله علی بن ابیطالب (ع) از این دایرةالمعارف پرداخته است. یافته های پژوهش پیشرو حاکی از آن است که نویسنده ای این مدخل - علی آسانی - نه تنها از معرفی کامل و جامع حضرت علی (ع) ناتوان بوده، بلکه به دلیل عدم رجوع به منابع متعدد و اصیل شیعی، برخی از فضایل این امام بزرگوار را به طور صحیح و دقیق بیان نکرده است. این بیان ناصحیح علاوه بر اینکه موجب تحریف حقیقت گشته، مخاطبان این دایرةالمعارف را نیز از فهم صحیح نسبت به سیمای واقعی بزرگترین شخصیت جهان اسلام پس از رسول خدا (ص) محروم ساخته است.

واژگان کلیدی: علی بن ابی طالب (ع)، فضایل علی (ع)، علی آسانی، دایرةالمعارف قرآن لیدن، مستشرقان.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳.

۱. دکترای تفسیر و علوم قرآن: Ghanei83@yahoo.com.

۲. دانش آموخته سطح سه گرایش تفسیر و علوم قرآن (نویسنده مسئول): barbalemaek1355@gmail.com.



مقدمه

شخصیت ممتاز و ناشناخته‌ی حضرت علی (علیه السلام) در جهان تشیع، به گونه‌ای است که بسیاری از اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان، از دیرباز تاکنون به تبیین و شناسایی این شخصیت عظیم پرداخته‌اند. در دهه‌های اخیر، برخی از خاورشناسان غربی نیز در این زمینه تألیفاتی را ارائه داده‌اند. علی آسانی، استاد ادیان و فرهنگ‌های هندو-اسلامی از جمله این خاورشناسان است که مقاله‌ی از او با عنوان «علی بن ابیطالب (علیه السلام)» در جلد اول دایرةالمعارف قرآن لیدن، به چاپ رسیده و توسط دکتر حسن رضایی هفتادر ترجمه شده است.

مقاله او، اگرچه دارای نقاط قوتی است؛ اما خالی از اشکال نیز نیست که با توجه به جایگاه دایرةالمعارف‌ها در تزریق اطلاعات به محققان و همچنین عموم مردم، بررسی این مقاله و تعیین اعتبار مطالب آن، یکی از بایسته‌های پژوهشی است؛ و از آنجایی که تاکنون پژوهشی در بررسی و نقدمدخل علی بن ابیطالب (علیه السلام) صورت نگرفته، نوشتار حاضر با هدف تعیین میزان صحت و سقم این مدخل، به بررسی و نقد آن خواهد پرداخت.

پیشینه

نظر به اهمیت تحقیق و بررسی در خصوص رویکرد مستشرقان به شخصیت امام علی (علیه السلام) مقالات و کتاب‌های متعددی در این باره به چاپ رسیده؛ اما با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توسط پژوهشگر، در خصوص بررسی و نقد مقاله «علی بن ابیطالب (علیه السلام)» در دایرةالمعارف قرآن لیدن، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است؛ از این رو، این نوشتار از این نظر نو و بدیع است.

تألیفات صورت گرفته عبارت‌اند از:

کتاب‌ها:

- «علی (علیه السلام) فراسوی ادیان (امیر مؤمنان (علیه السلام) در کلام اندیشمندان غیرمسلمان)» (۱۳۸۳)، اثر محمد-علی صمدانی و حمزه کریم‌خانی؛
 - «امام علی (علیه السلام) از دیدگاه مستشرقین» (۱۳۸۵)، تألیف نورعلی احمدی فالحی؛
- پایان‌نامه:
- «نقد و بررسی دیدگاه‌های مستشرقان پیرامون امام علی (علیه السلام) و نهج البلاغه» (۱۳۹۱) به قلم هادی خانی آرانی.

مقاله‌ها:

- «حیات علمی امام علی (علیه السلام) از منظر اندیشمندان غیرمسلمان و مستشرقان» (۱۳۹۰)، اثر محمد رضا احمدی ندوشن؛
- «فضایل امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) از دیدگاه مستشرقان» (۱۳۹۸)، تألیف ایوب شافعی پور؛
- «بازنگاهی به مقاله «علی؛ Ali» در دایرةالمعارف آمریکانا» (۱۳۹۸)، تألیف هادی کاظم زاده صلواتی؛
- «نقد مدخل علی بن ابی طالب در دایرةالمعارف الیور لیمن» (۱۳۹۸)، اثر محمدعلی رضایی اصفهانی و محمدعلی ریحانی نیا.

الف. معرفی اجمالی نویسنده مقاله

علی آسانی^[۱] - Ali S. Asani - (متولد ۱۹۵۴ نایروبی، کنیا) پروفیسور در رشته‌ی زبان و فرهنگ‌های هنری هندو-اسلامی است. وی پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی خود در کنیا، در کالج هاروارد شرکت کرد و با تمرکز در مطالعه تطبیقی دین، در سال ۱۹۷۷ فارغ التحصیل شد. سپس تحصیلات خود را در دانشگاه هاروارد در گروه زبان‌ها و تمدن‌های خاور نزدیک (NELC) ادامه داد. در حال حاضر، آسانی علاوه بر تدریس در دانشگاه هاروارد، در دانشکده گروه مطالعات آسیای جنوبی و مطالعات آفریقایی و آفریقایی-آمریکایی نیز مشغول به فعالیت است. خدمت در کارگروه آموزش آکادمی مذهبی آمریکا در زمینه آموزش دین در مدارس، از دیگر فعالیت‌های آموزشی^۱ این خاورشناس مسلمان محسوب می‌گردد.

تجلیل از محمد (Celebrating Muhammad)؛ موسیقی، صدا و معماری در اسلام (Music, Sound, and Architecture in Islam)؛ نشاط و روشنگری (Ecstasy and Enlightenment)، (ادبیات فداکارانه اسماعیلی جنوب آسیا)، بیاید اردو را مطالعه کنیم (Let's Study Urdu)، (مقدمه‌ای بر فیلم نامه اردو)؛ ازجمله تألیفات او در قالب کتاب است. وی همچنین مقالات متعددی را در ژورنال‌ها و دایرةالمعارف‌های مختلف مانند دایرةالمعارف فولکلور، دایرةالمعارف آکسفورد جهان اسلام و دایرةالمعارف لیدن منتشر کرده است. مقاله علی بن ابی طالب (Alī b. Abī Tālib) و خانواده پیامبر (family of the prophet) ازجمله مقالات اوست که در دایرةالمعارف لیدن به چاپ رسیده‌اند
(<https://www.edx.org/bio/ali-asani>) (<https://www.nelc.fas.harvard.edu>).



بر اساس آنچه از کتاب‌ها و مقالات وی برمی‌آید، علی آسانی یک مستشرق «اسلام‌شناس» نبوده؛ بلکه مستشرقی مسلط به زبان و فرهنگ ملت‌های شرق آسیا به خصوص هند بوده و به خاطر اینکه خود مسلمان است، در ضمن مطالعات خویش، به نگارش کتاب یا مقاله نیز پرداخته است؛ درحالی‌که پژوهش در حیطه‌ی مفاهیم اسلامی و قرآنی نیازمند تسلط بر مبانی و روش‌های مختلف خاص این مقوله است (معارف و اعتصامی، بررسی مقاله خانواده پیامبر ﷺ از دایرةالمعارف قرآن لیدن، ۱۳۹۰: ۱۵).

ب. ترجمه^{۱۲۱} مقاله علی^{۱۲۱}

پسرعموی پیامبر و همسر دختر وی فاطمه علی بن ابیطالب (د. ۴۰) یکی از اولین افرادی بود که اسلام را پذیرفت. وی همچنین به پرهیزکاری و دانش عمیق نسبت به قرآن و سنت* زبانزد همه بود و در بسیاری از سنت‌های باطنی اسلامی از جمله تصوف شخصیتی برجسته به شمار می‌رود. شیعیان- در اصل پیروان اصلی (شیعه علی، نک. شیعه)- با نقل نصوصی از قرآن و حدیث معتقدند که پس از وفات پیامبر، رهبری امور دنیوی و معنوی جامعه اسلامی می‌بایست به علی^{علیه السلام} سپرده می‌شد؛ اما دیگر صحابه نزدیک پیامبر آن را غصب کردند. طبق آموزه‌های شیعه، علی^{علیه السلام} که بر اساس نص الهی امام* شد، مسئولیت حفظ و نگهداری پیام الهی قرآن پس از نزول آن را نیز بر عهده داشت. پس از درگذشت او، امامت به فرزندان وی رسید، هرچند به دلیل ظلم و ستم نهاد سنتی مذهب و نیز حاکمان سنتی رقیب، فقط تعداد اندکی از آنان توانستند مطابق جایگاه خود اعمال قدرت کنند. در تعالیم اولیه شیعیان ادعا شده است که علی^{علیه السلام} نسخه‌ی معتبری از قرآن در اختیار داشت که مخالفان سیاسی‌اش از قبیله مکی و قدرتمند قریش* آن را کنار نهادند و در عوض نسخه‌ای از قرآن را به عنوان نسخه رسمی رواج دادند که رقیب عثمان*، خلیفه سوم، صادر کرد و از آن آیاتی که حاوی نام علی^{علیه السلام} و دیگر افراد اهل بیت پیامبر* به عنوان رهبری امت اسلامی بود، حذف شده بود. (نک. جمع قرآن). بر مبنای روایت شیعیان اثنی عشری (امامی)، امامان بعدی، مخفیانه مصحف علی^{علیه السلام} را به یکدیگر منتقل کردند و امام دوازدهم که به انتظار ظهورش هستند، مندرجات آن را بر جهانیان آشکار خواهد کرد. آرای شیعیان درباره مصحف علی^{علیه السلام} از قرن چهارم به بعد به تدریج تغییر یافت. درست زمانی که بیشتر علمای شیعه صحت و اعتبار قرآن رسمی را که عثمان منتشر کرد، پذیرفتند و فقط در ترتیب سوره‌ها و آیات مناقشه کردند. آنان اعتقاد داشتند که مصحف علی^{علیه السلام}، در عین مصون ماندن از تحریف به زیاده، سوره‌ها و آیات را بر اساس ترتیب اصلی نزول آن‌ها عرضه می‌دارد و نیز شامل تفسیرهای علی^{علیه السلام} است. امامان این نظم و ترتیب اصلی و تفسیرهای علی^{علیه السلام} را به یکدیگر منتقل کردند.

با این اوصاف، با توجه به شایستگی علی علیه السلام برای امامت، او از دانش ویژه‌ای به معنای باطنی قرآن برخوردار بود و در نتیجه در شرایطی بود که می‌توانست تأویل آیات قرآن را بیان کند. این دانش خدادادی که علی علیه السلام به فرزندانش منتقل کرد، بصیرتی به جنبه باطنی وحی در اختیار قرار داد و در نتیجه وی توانست مؤمنان را به درک صحیح‌تر و قابل فهم‌تری از هدایت خداوند برای انسان‌ها رهنمون شود. امامان شیعه که عالی‌ترین مرجع تفسیر وحی الهی‌اند، معمولاً «قرآن ناطق» خطاب شدند و خود متن قرآن «امام صامت» نامیده شده است. نیز نک. خانواده پیامبر؛ شیعه و قرآن (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۴ / ۱۷۶-۱۷۵؛ EQ, vol1, PP. 62-63, (McAuliffe G(2000).

ج. بررسی و نقد مقاله

در این تحقیق، به جهت پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی، نخست نقاط قوت مقاله‌ی مذکور به صورت کلی، سپس نقاط ضعف و نقدپذیر آن ارائه می‌شود.

۱. نقاط قوت مقاله

نقاط قوت شایان ذکر این مقاله عبارت‌اند از:

اول. بیان صحیح برخی از مقامات و فضایل حضرت علی علیه السلام

از جمله نقاط قوت این مقاله که مهمترین حسن این مقاله به شمار می‌رود؛ اشاره نویسنده، به برخی از فضایل حضرت علی علیه السلام است که بر اساس ترتیبی که در متن آمده، عبارت‌اند از:

- ۱- وفاداری به پیامبر؛ ۲- عملکرد شجاعانه در جنگ‌ها و دفاع از جامعه‌ی نوپای اسلامی؛ ۳- شخصیت برجسته در بسیاری از سنت‌های باطنی اسلامی از جمله عرفان و تصوف؛ ۴- دانش عمیق نسبت به قرآن و سنت؛ ۵- حق حضرت علی علیه السلام برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و رهبری امور دنیوی و معنوی جامعه اسلامی؛ ۶- مسئول حفظ و نگهداری پیام الهی قرآن پس از نزول آن؛ ۷- غصب خلافت از سوی نهاد سنی مذهب؛ ۸- شایستگی علی علیه السلام برای امامت؛ ۷- دانستن تأویل قرآن و بصیرت به جنبه‌ی باطنی وحی؛ ۸- رساندن انسان‌ها به درک صحیح‌تر و قابل فهم‌تری از هدایت خداوند؛ ۹- ائمه علیهم السلام عالی‌ترین مرجع تفسیر وحی؛ ۱۰- ائمه علیهم السلام «قرآن ناطق» و قرآن «امام صامت».

ذکر این فضایل را می‌توان حاکی از مراعات جانب حق و انصاف توسط نویسنده دانست؛ چراکه بیان این‌گونه مطالب، در آثار مستشرقان سابقه‌ی چندانی ندارد، البته آنچه او نیز بیان کرده، در برابر دریای بیکران فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام قطره‌ای بیش نیست.



دوم. ارجاع به مدخل‌های دیگر

نویسنده به جهت رعایت اصل اختصار و پرهیز از تکرار مطالبی که به قلم سایر نویسندگان دایرةالمعارف آمده، در راستای کسب اطلاعات بیشتر و شناخت موضوعات فرعی، مخاطب را به مدخل‌های مرتبط با آن موضوع ارجاع می‌دهد؛ که این مطلب، به نوبه خود حسن دیگری برای این مقاله به شمار می‌رود. برای مثال برای شناخت شیعیان به مقاله «شیعه» (shīa) ارجاع داده است؛ و در انتهای مقاله آنجا که از علم ائمه علیهم‌السلام به تأویل قرآن سخن می‌گوید؛ به مقالات «خانواده پیامبر» (family of the prophet) و «شیعه و قرآن» (shīism and the Qurān) ارجاع می‌دهد. همچنین با آوردن (q.v.) مخاطب را به مدخلی که با عنوان همان واژه در دایرةالمعارف لیدن آمده، ارجاع می‌دهد. واژگانی چون: امام (imām (q.v.)؛ قریش (Quraysh (q.v.)؛ و عثمان (Uthmān (q.v.) از این قبیل‌اند. شایان ذکر است که در متن ترجمه، به جای (q.v.) از (*) استفاده شده است.

۲. نقاط ضعف مقاله

این مقاله مانند سایر تحقیقات باینکه از نقاط قوتی برخوردار است؛ دارای اشکالاتی نیز است. مهم‌ترین مطالب نقدپذیر این مقاله عبارت‌اند از:

اول. عدم جامعیت

یکی از بارزترین اشکالات این مقاله، عدم جامعیت آن است. معرفی شخصیت بی‌مثالی چون علی بن ابیطالب علیه‌السلام تنها در یک صفحه و غفلت از بیان بسیاری از فضایل و خصایص والای آن حضرت، آن هم از سوی یک محقق مسلمان، به رغم آنکه بسیاری از کتب شیعه و اهل سنت به تبیین فضایل ایشان اختصاص یافته، چند احتمال را به ذهن متبادر می‌سازد؛ یکی اینکه: خود نویسنده از علم جامع و کافی نسبت به آن حضرت برخوردار نبوده است؛ و دیگر اینکه: نویسنده مغرضانه، به صورت ناقص و ابتر قلم‌فرسایی کرده؛ و احتمال سوم اینکه: نویسنده به منابع اسلامی، جهت استفاده دسترسی نداشته است که این احتمال با توجه به اینکه شمار قابل توجهی از مستشرقان غیرمسلمان غربی، مانند علمای مسلمان، در مقام بیان فضائل و مناقب و کمالات روحی و معنوی حضرت علی علیه‌السلام دست به تألیف زده‌اند، مردود خواهد بود؛ چراکه نویسنده‌ی این مدخل، جهت غنا و جامعیت نوشتار خویش می‌توانست به این منابع مراجعه کند. از جمله این تألیفات «شهباز اسلام» از گابریل انگری (Gabriel Enkiri)؛ «جانشین محمد» از ویلفرد مادلونگ (Wilferd Madelung)؛ «الامام علی علیه‌السلام صوت العدالة الانسانیة»، اثر جرج جرداق (George Jordac) است.



افزون بر استفاده از منابع مذکور که به طور مستقل به بحث از شخصیت علی بن ابیطالب علیه السلام پرداخته‌اند، علی آسانی می‌توانست در تبیین شایسته‌تر و کامل‌تر شخصیت و فضایل علی علیه السلام در سخنان مستشرقان و دانشمندان جهان، تتبع کوتاهی داشته باشد و از سخنان آنان بهره جوید؛ چراکه بسیاری از آن‌ها، به صراحت، فضائل و مناقب حضرت علی علیه السلام را بیان داشته‌اند؛ چنانکه واشینگتن اروینگ (Washington Irving) مستشرق آمریکایی، همچون بسیاری از دانشمندان مسلمان، شأن نزول آیه ۲۰۷ سوره بقره را در خصوص لیلۃ المبیت و جان فشانی علی علیه السلام دانسته، چنین می‌نویسد: «علی علیه السلام، پسرعموی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم خالصانه در ردا و فراش پیامبر خوابید؛ جان فدایی کرد.» (حکیم، الدراسات الاستشرافیة رؤية و ایضاح فی المنهج، ۲۰۱۲: ۹۸)، همچنین ابوالفرج اهرن مشهور به ابن عبری - مورخ و دانشمند مسیحی - در بیان عظمت مقام آن حضرت، ایشان را پرکننده‌ی خلأ فقدان مقام والای نبوی در عصر خلفا معرفی کرده و در جهت تأیید کلام خویش به سخن عمر: «لولا علی لهلک عمر» استشهد می‌کند (کریم‌خانی و صمدانی، علی علیه السلام فراسوی ادیان، ۱۳۸۳: ۲۷).

این موارد، تنها ذکر نمونه‌هایی از کلام مستشرقان و دانشمندان در توصیف شخصیت و خصایص والای امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ لذا جای بسی تعجب است که علی آسانی به‌عنوان یک قرآن‌پژوه مسلمان از ذکر بسیاری از فضایل زبانزد ایشان غفلت ورزیده و سیمای بی‌مثال این امام بزرگوار را برای اذهان تشنه‌ی جامعه‌ی بشری و اسلامی به‌طور جامع به تصویر نکشیده است.

دوم. عدم استفاده از آیات

به دو دلیل، عدم استفاده از آیات، یکی از اساسی‌ترین اشکالات این مدخل به شمار می‌رود. دلیل نخست اینکه مقاله‌ی موردبحث، در دایرةالمعارف قرآن لیدن به چاپ رسیده است و به گفته‌ی سرویراستار آن، یکی از اهداف تألیف این دایرةالمعارف، در دسترس قرار دادن معارف قرآن برای محققان انگلیسی‌زبان بوده است (مک اولیف، دایرةالمعارف قرآن، ۱۳۹۷: ۲۲/۱)؛ که بی‌توجهی نویسنده نسبت به این مقوله، موجب نقض غرض هدف از تألیف این دایرةالمعارف گردیده است.

دلیل دوم اینکه، در معرفی حضرت علی علیه السلام و تبیین شخصیت ایشان نیز، بنا بر نقل مفسران و مورخان خاصه و عامه، به آیات فراوانی از قرآن می‌توان استناد نمود؛ چنانکه برخی از علمای اهل سنت، از ابن عباس روایت کرده‌اند که: «تَرَلْتُ فِي عَلِي ثَلَاثُ مِائَةِ آيَةٍ»؛ در شأن علی علیه السلام سیصد آیه نازل شده است (قندوزی، ینابیع المودة، ۱۴۲۲: باب ۴۲/۴۸؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بی‌تا: ۲۲۱/۶)؛ و گروهی دیگر از قول یزید بن رمان نقل کرده‌اند که: «تعداد آیاتی که در شأن علی علیه السلام



نازل شده، در مورد هیچ کس نازل نشده است.» (ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ۱۴۱۴: ۷۶؛ گنجی، کفایة الطالب، ۱۳۹۰: باب ۶۲/۲۵۳؛ ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ۱۴۰۴: ۱۸/۱۱ (عن ابن عباس) و آیاتی چون: آیه مباحله، آل عمران/۶۱؛ آیه خیر البریه، بینه/۷-۸؛ آیه لیلۃ المبیّت، بقره/۲۰۷؛ آیه حکمت، بقره/۲۶۹؛ آیه سقایۃ الحاج، توبه/۱۹؛ آیه صالح المؤمنین، تحریم/۴؛ آیه وزارت، طه/۲۹-۳۲؛ آیه بینه و شاهد، هود/۱۷؛ آیه صدیقون، حدید/۱۹؛ آیه نور، حدید/۲۷؛ آیه انذار، شعرا/۲۱۴-۲۱۵؛ آیه مرج البحرین، الرحمن/۱۹-۲۱؛ آیه نجوی، مجادلہ/۱۲ و ۱۳؛ آیه سابقون، واقعه/۱۰ تا ۱۴؛ آیه مودت، مریم/۹۶؛ آیه منافقون، محمد/۳۰؛ آیه ایذاء، احزاب/۵۷؛ آیه انفاق، بقره/۲۷۴؛ آیه محبت، مائده/۵۴؛ و آیه مسئولون، صافات/۲۴؛ در شمار این دسته از آیات به شمار می روند. بنابراین عدم اشارہ نویسنده به این دسته از آیات، نقص بزرگی برای این مقاله محسوب می گردد که توجیهی جز کم اطلاعی و عدم تسلط نویسنده بر مباحث قرآنی و اسلامی نخواهد داشت؛ البتہ این نقص، در مقالہ «خانوادہ پیامبر» او نیز به خوبی مشهود است. «ن.ک. معارف و اعتصامی، بررسی مقالہ خانوادہ پیامبر ﷺ از دایرۃ المعارف قرآن لیدن، ۱۳۹۰: ۱۴).

سوم. بیان اجمالی مطالب

هرچند پرهیز از اطناب و تفصیل گویی، یکی از اصول اساسی نگارش مقالات علمی به شمار می رود؛ اما خلاصه گویی نیز نباید به حدی باشد که مطلب عقیم بماند و مخاطب اطلاعات کافی پیرامون آن موضوع را دریافت نکند. دقت در متن مقالہ روشن می سازد که نویسنده در برخی از موارد، مطالب را به صورت مجمل و سر بسته بیان کرده، در حالی که مقام سخن، تفصیل مطلب را اقتضا داشته است. برای نمونه ایشان در مورد حق خلافت حضرت علی ﷺ پس از پیامبر ﷺ می نویسد:

«شیعیان با نقل نصوصی از قرآن و حدیث معتقدند که پس از وفات پیامبر ﷺ، رهبری امور دنیوی و معنوی جامعہ اسلامی می بایست به علی ﷺ سپرده می شد؛ اما دیگر صحابه نزدیک پیامبر آن را غصب کردند.»

هرچند علی آسانی در این قسمت منصفانه و به حق سخن گفته؛ اما بی توجهی و عدم اشارہ ایشان به این نصوص و ادله، با توجه به اینکه ایشان به عنوان یک نویسنده دایرۃ المعارف قرآن مطرح است، قابل اغماض نیست؛ زیرا این اجمال گویی، مخاطبان را از فهم عمیق و مستند، نسبت به موضوع بسیار مهم اثبات امامت حضرت علی ﷺ از طریق آیات و روایات، محروم می سازد. علاوه بر اینکه عدم مستندسازی، مقالہ را در سطح یک انشا تقلیل خواهد داد.



بنابراین اگرچه ادله قرآنی و روایی اثبات امامت حضرت علی (علیه السلام) بسیارند؛ و نقل همه‌ی آنها نیز مورد انتظار نیست؛ اما از بارزترین ادله‌ی قرآنی که شایسته بود مورد اشاره‌ی نویسنده قرار می‌گرفت؛ می‌توان به آیه تبلیغ (مانده/۶۷)؛ آیه ولایت (مانده/۵۵)؛ آیه اولی الامر (نساء/۵۹)؛ آیه صادقین (توبه/۱۱۹)؛ آیه قربی (شوری/۲۳) اشاره نمود که در دلالت این آیات، احادیث متواتر بسیاری که مورد قبول شیعه و سنی است، وارد شده است.

همچنین حدیث غدیر، حدیث منزلت، حدیث ولایت و حدیث وصایت نیز، در شمار بارزترین ادله روایی متواتری هستند که ذکر آنها توسط مؤلف، در این مقام لازم و ضروری بود؛ چنانکه علامه امینی در کتاب الغدیر، ۱۱۰ نفر از صحابه و ۸۴ نفر از تابعین و ۳۶۰ نفر از علمای اهل سنت را نام می‌برد که از ابتدای قرن دوم تا قرن چهاردهم به حدیث غدیر: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاؤُهُ» هر کس من مولای اویم پس علی مولای اوست.» اشاره کرده‌اند. (امینی، الغدیر، بی تا: ۱۴/۱-۱۵) همچنین حدیث منزلت: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود.» در بسیاری از منابع تاریخی و روایی و کلامی گزارش شده است. (بخاری، صحیح البخاری، ۱۳۹۱: ۵/۱۲۹؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۸/۱۰۷؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بی تا: ۴/۴۶۵؛ فخر رازی، البراهین فی علم الکلام، بی تا: ۲/۲۵۷). در کنار احادیث مذکور، حدیث ولایت «هُوَ وَلِيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۴: ۳۸/۱۵۰؛ ابن حنبل، المسند، ۱۴۱۶: ۴/۴۳۷) و حدیث وصایت: «لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ وَوَارِثٌ وَإِنَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَوَارِثِي» نیز از جمله احادیث مشهور دیگری هستند که در بسیاری از منابع شیعی و سنی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۳۸/۱۵۴-۳۳۹؛ ابن مغزلی، مناقب الامام علی بن ابی طالب، بی تا: ۱۶۷).

چهارم. عدم بیان صحیح و دقیق

از اشکالات دیگر این مقاله اینکه برخی از حقایق مسلم تاریخی که از جمله فضایل علی بن ابیطالب (علیه السلام) محسوب می‌شوند؛ به طور صحیح و دقیق بیان نشده است. در حالی که نقل صحیح حقایق و تبیین درست آنها رسالتی است که یک محقق مسلمان بر عهده دارد؛ اما متأسفانه علی آسانی در این مقاله، در انجام این رسالت ناتوان بوده و مخاطبان این دایرةالمعارف را از شناخت صحیح نسبت به بزرگ‌ترین شخصیت جهان اسلام پس از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) بی بهره ساخته است. این نقل‌های ناصحیح عبارت‌اند از:



۱. معرفی علی علیه السلام به عنوان یکی از اولین مسلمانان

علی آسانی در ابتدای مقاله‌ی خویش، حضرت علی علیه السلام را این گونه معرفی می‌کند: «پسرعموی پیامبر و همسر دختر وی فاطمه علیها السلام علی بن ابیطالب (د. ۴۰) یکی از اولین افرادی بود که اسلام را پذیرفت.»

معرفی علی بن ابیطالب علیه السلام در جرگه‌ی یکی از اولین مسلمانان (Ali b. Abi Talibi was among the first to embrace Islam) و نه اولین مسلمان (the first who embraced Islam) سخن ناحقی است که منشأ آن را می‌توان در سه محور جست‌وجو کرد: نخست: مطالعه و تتبع ناقص نویسنده در منابع اسلامی؛ دوم: تأثیرپذیری از برخی منابع اهل سنت که مغرضانه و از روی تعصب مذهبی افرادی چون زید بن حارث یا ابوبکر را به عنوان اولین مسلمان معرفی کرده‌اند (ابن کثیر دمشقی، ابن کثیر و النهایه، ۱۴۰۷: ۲۶/۳؛ طبری، تاریخ طبری، ۱۹۶۷: ۶۱/۲)؛ سوم: استفاده از نظرات برخی مستشرقان مغرض، چون مونتگمری وات (Montgomery Watt, Muhammad: Prophet and Statesman, 1974, Pages 34-35)؛ اما نقل ناصحیح این حقیقت تاریخی یا انکار آن، با روایات متواتر و ادله‌ی متعدد منقول در منابع شیعه و سنی که بیانگر این حقیقت‌اند که امام علی علیه السلام اولین کسی بود که اسلام آورد و مفتخر به این فضیلت گردید؛ تعارض آشکار دارد و مردود خواهد بود. از جمله این ادله، تصریح مکرر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر پیشتازی علی بن ابیطالب علیه السلام در اسلام است؛ چنانکه خطاب به ایشان فرموده‌اند: «یا علی انت أول المسلمين إسلاماً و أول المؤمنين إيماناً؛ ای علی! تو نخستین مسلمان و اولین مؤمنی.» (حلی، کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۹: ۳۹/۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۳۷/۲۶۸). همچنین در حدیث دیگری از ایشان آمده است که: «أَوَّلُكُمْ وَرُوداً عَلَى الْخَوْضِ أَوَّلُكُمْ إِسْلَاماً عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ؛ اول کسی که در حوض کوثر، بر من وارد می‌شود، اول مسلمان علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ۱۳۲۸: ۲۸/۳؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۳/۱۱۹).

علاوه بر احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله استدلال‌های فراوان خود امام علی علیه السلام در مناسبت‌های مختلف، برهان روشن دیگری بر سبقت داشتن ایشان بر اسلام است؛ چنانکه در حدیثی فرموده‌اند: «أنا عبدالله وأخو رسوله وأنا الصديق الأكبر لا يقولها بعدي إلا كاذب مفترئ، صليت مع رسول الله قبل الناس بسبع سنين؛ منم بنده خدا و برادر پیامبر خدا و منم صدیق اکبر و جز دروغ‌گوی تهمت‌زن بعد از من این ادعا را نکند و من هفت سال پیش از مردم با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزاردم.» (امینی، الغدير، بی‌تا: ۳۱۴/۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵: ۵۷/۲). افزون بر آنچه گفته شد، بسیاری از محدثان و مورخان اهل سنت نیز



چون: خطیب بغدادی (بغدادی، تاریخ بغداد، بی تا: ۱/۱۳۳)، ابن حجر عسقلانی (عسقلانی، الاصابة فی تمییز الصحابة، بی تا: ۴/۴۶۴) ابن عبدالبر (ابن عبدالبر، الاستیعاب، ۱۳۲۸: ۳/۱۹۷) ابن ابی الحدید (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱/۳۲ و ۴/۳۱۹ و ۱۳/۱۴۸) و... بر این باورند که علی بن ابیطالب علیه السلام نخستین مسلمان است. باوجود این ادله‌ی روشن و متعدد، عدم تصریح به اولین مسلمان بودن ایشان از سوی نویسندگان این مدخل، چیزی جز تحریف حقیقت به شمار نمی‌رود.

۲. عملکرد شجاعانه حضرت علی علیه السلام در تعدادی از جنگ‌های صدر اسلام

از دیگر حقایقی که مؤلف آن را به‌طور صحیح و دقیق تبیین نکرده، مسئله‌ی جنگاوری و شجاعت علی علیه السلام در غزوات صدر اسلام است. او در این باره نوشته: «وی به دلیل وفاداری به پیامبر و عملکرد شجاعانه در تعدادی از جنگ‌های صدر اسلام در دفاع از جامعه نوپای اسلامی مشهور است.» با اندکی تأمل در کلمات استفاده‌شده در این جمله، می‌توان به وجه نادرستی این سخن پی برد. اینکه نویسنده، عملکرد شجاعانه امام علیه السلام را به شکل محدود و تنها در تعدادی از غزوات صدر اسلام (his courageous role in a number of the military expeditions in the defense of the early Muslim community-) و نه در تمام غزوات توصیف می‌کند (in all of the military expeditions in the defense of the early Muslim community-)؛ مخالف با مستندات تاریخی شیعه و اهل سنت است که دلالت دارند، حضرت علی علیه السلام در تمامی غزوات صدر اسلام جز غزوه‌ی تبوک، حضور مؤثر و راهبردی داشته است (ن.ک. ابن طاووس، الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ۱۴۰۰: ۵۵/۱-۵۴؛ ابن سعد بغدادی، الطبقات الکبری، بی تا: ۳/۲۴). هرچند عدم حضور ایشان در جنگ تبوک نیز به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت پذیرفت؛ چراکه منافقان با اتحاد با مشرکان مکه و یهودیان، قصد براندازی اسلام را داشتند؛ اما حضور حضرت علی علیه السلام در مدینه، نقشه‌ی آنان را با شکست مواجه کرد. در احادیث از این ماجرا به‌عنوان حدیث منزلت یاد می‌شود؛ که ذکر این حدیث گذشت (ن.ک: شوشتری، احقاق الحق، ۱۴۰۹: ۵/۱۳۲-۲۳۴؛ ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ۱۴۰۷: ۷/۵). افزون بر خطای نویسنده در نقل صحیح این واقعیت، لازم بود نویسنده، مخاطب را هرچند به‌طور مختصر، با گوشه‌ای از رشادت‌های علی علیه السلام در این غزوات آشنا سازد. اینکه در غزوه بدر، تعداد زیادی از مشرکان توسط علی علیه السلام به هلاکت رسیدند. در غزوه احد، شجاعانه از جان پیامبر محافظت نمود تا آنجا که جبرئیل در وصف شجاعت ایشان در آسمان ندا داد: «لَا سَيْفَ إِلَّا ذَوَالْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ؛ شمشیری چون ذوالفقار و جوانمردی همچون علی وجود ندارد.» (طبری، تاریخ طبری، ۱۹۶۷: ۳/۱۰۲۷؛ ابن اثیر،



الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵: ۲/۱۰۷؛ کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۸/۱۱۰، ح ۹۰). در غزوه‌ی خندق نیز با کشتن عمر بن عبدود جنگ را خاتمه داد که رسول اکرم ﷺ در پاسداشت این حماسه‌ی علوی فرمود: «ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ؛ ضربت علی در روز خندق از عبادت جن و انس برتر است.» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۲۰/۲۱۶؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۰۶: ۳/۳۴؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بی تا: ۱۳/۱۸)؛ و در غزوه‌ی خیبر نیز با کندن در بزرگ قلعه خیبر، جنگ را به سرانجام رساند، به طوری که پیامبر خدا ﷺ ایشان را «مهاجم بی فرار» نامید: «كَوَارًا غَيْرَ فَرَارٍ لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ؛ مهاجم بی فرار، او بدون پیروزی و فتح قلعه خیبر بر نمی گردد.» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۸/۳۵۱).

لزوم بیان این رشادت‌ها، بدین جهت است که بحث از شجاعت امام علی (علیه السلام) در حقیقت بحث از تأثیرگذاری و نقش آن حضرت در ترویج و گسترش اسلام است که چگونه در راه دین مبین اسلام، با تمام قدرت و توانی که داشت، جان فشانی کرد و در تمام جنگ‌ها و نبردهای نفس گیر، پیروزمندانه بر می گشت و پیامبر ﷺ و مسلمانان را دلشاد می نمود. تبیین این گونه مسائل قطعاً برای آن دسته از مخاطبان این دایرةالمعارف که امام علی (علیه السلام) را به درستی نمی شناسند یا بر اثر تبلیغات زهرآگین دشمنان به خوبی نشناخته اند، مؤثر خواهد بود. به ویژه در شرایط و اوضاع فعلی جهان اسلام که اندیشه‌های اموی در قالب فرقه‌های تکفیری سر درآورده و دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) یکی از شاخصه‌های آن هاست.

۳. کاربرد درگذشت به جای شهادت

علی آسانی، در بخش نخست مقاله‌ی خویش، بعد از بیان حق مسلم حضرت علی (علیه السلام) برای رهبری جامعه‌ی اسلامی و اشاره به غصب خلافت رسول خدا ﷺ توسط نهاد سنی مذهب، می افزاید: «پس از درگذشت او، امامت به فرزندان وی رسید.»

کاربرد درگذشت (Upon his passing) به جای شهادت (his martyrdom) از دیگر اشتباهات نویسنده در این مقاله است که دلیل آن در خوش بینانه ترین حالت، مطالعه‌ی ناقص اوست؛ چراکه شهادت امام علی (علیه السلام) از مسلمات تاریخ است که علاوه بر منابع شیعی (ن.ک. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۱۳۹۰: ۱/۹؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ۱۳۷۹: ۳/۳۰۷)، منابع فراوانی از اهل سنت نیز - با اختلاف در برخی جزئیات - بدان اشاره کرده اند. (ن.ک. ابن اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵: ۳/۳۸۸؛ ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ۱۴۰۷: ۸/۱۳؛ یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بی تا: ۲/۲۱۲).



علاوه بر تصریح علمای شیعه و اهل سنت، برخی از اندیشمندان غیرمسلمان نیز، بر شهادت علی (علیه السلام) تصریح کرده‌اند؛ چنانکه کارلایل (Carlyle)، فیلسوف بزرگ انگلیسی، علی (علیه السلام) را شهید عدالت معرفی کرده و می‌گوید: «در کوفه کشته شد، شدت عدلش موجب این جنایت گردید، پیش از مرگش درباره‌ی قاتل خود گفت: و اگر زنده ماندم، خودم می‌دانم (با ضارب چه کار کنم) و اگر درگذشتم کار به دست شما است، اگر خواستید قصاص نمایید، در برابر یک ضربت تنها زنید، اگر درگذرید به تقوا نزدیک‌تر است.» (عبدالفتاح عبدالمقصود، الأمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۰: ۱۳/۱). جرج جرداق (George Jordac)، ادیب و نویسنده مشهور لبنانی، نیز علی (علیه السلام) را شهید بزرگواری توصیف می‌کند که دوستدار نیکی بود و در راه آن شهید شد (رهبر، علی علیه السلام ابرمرد مظلوم، ۱۳۸۴: ۲۹۲). بااین‌وجود، جای بسی تأمل و تأسف است که چرا علی آسانی به‌عنوان یک محقق مسلمان، از این حقیقت مسلم تاریخی به‌عنوان «درگذشت» یادکرده است.

۴. نسبت دادن نظرات شاذ به کل شیعیان

از دیگر حقایقی که نویسنده‌ی این مقاله آن را به‌طور صحیح و دقیق بیان نکرده، اعتقاد اولیه‌ی شیعیان درباره‌ی مصحف عثمانی است. او دراین‌باره نوشته: «در تعالیم اولیه شیعیان ادعا شده است که علی (علیه السلام) نسخه‌ی معتبری از قرآن در اختیار داشت که مخالفان سیاسی‌اش از قبیله مکی و قدرتمند قریش* آن را کنار نهادند و در عوض نسخه‌ای از قرآن را به‌عنوان نسخه رسمی رواج دادند که رقیب او عثمان*، خلیفه سوم، صادر کرد و از آن آیاتی که حاوی نام علی (علیه السلام) و دیگر افراد اهل بیت* پیامبر به‌عنوان رهبری امت اسلامی بود حذف شده بود.» سپس در ادامه از تغییر این دیدگاه - یعنی پذیرفتن صحت قرآنی که عثمان منتشر ساخت - از قرن چهارم تا دهم سخن می‌گوید.

علی آسانی در این قسمت، با تمرکز بر مصحف علی (علیه السلام) و حذف آیات ولایت از آن توسط حکومت غاصب، ذهنیت خواننده را در تردید و انکار امامیه نسبت به مصحف کنونی، حساس می‌کند؛ چراکه مطابق بیان او، دیدگاه و اعتقاد اولیه شیعیان، عدم اعتبار و تحریف به نقصان مصحف عثمانی (به دلیل حذف آیات ولایت) بوده، درحالی‌که جریان اصلی امامیه از آغاز تا عصر حاضر مصحف عثمانی را معتبر دانسته‌اند و سخن نویسنده در این قسمت، چیزی جز معکوس نشان دادن واقعیت نیست. در ذیل با بیان چند نکته، وجه بطلان سخن او آشکار خواهد شد:

یک. سنی بودن این عقیده

دیدگاه نقصان مصحف عثمانی، خواستگاهی سنی دارد و اعتقاد اولیه شیعه محسوب نمی‌گردد؛ چراکه در برخی اخبار سنی درباره‌ی تدوین قرآن آمده که نام علی و جایگاه مهم اهل بیت پیامبر که در



مصحف عثمانی حذف شده‌اند؛ در روایت قدیمی مصحف، وجود داشته (سیوطی، درالمنثور، ۱۴۰۴: ۲/۲۹۸). این حذف در آیاتی چون: آیه ۶۷ سوره مانده؛ ۵۶ سوره احزاب؛ ۲۲ و ۲۳ سوره شورا؛ آیه ۸ سوره حشر؛ آیه ۱۴ سوره صف؛ آیه ۲۶ سوره مدثر، آیه ۴ سوره قدر، صورت پذیرفته است. (ن.ک. جفری، مقدمتان فی علوم القرآن، بی تا: ۱۰۰-۷۸). البته در میان شیعیان نیز عده‌ای قلیل، به پذیرش این اخبار سنی تمایل نشان داده‌اند؛ و قائل به تحریف در قرآن به صورت نقصان بوده‌اند؛ اما حتی از قرن چهارم تاکنون شمار آنان به ده تن هم نرسیده است. این افراد عبارت‌اند از: محمد صالح بن احمد مازندرانی (مازندرانی، شرح اصول الکافی، ۱۳۸۲: ۱۱/۷۲-۷۱)؛ نعمت‌الله بن عبدالله جزائری (جزائری، الانوار النعمانیة، ۱۳۹۵: ۱/۹۶)؛ ابوالحسن بن محمد طاهر شریف عاملی (نوری، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، ۱۲۹۸: ۹۷)؛ عبدالله بن محمدرضا حسینی شهر (شبر، مصابیح الانوار، ۱۳۷۱: ۲/۲۹۵)؛ احمد بن محمد مهدی نراقی (نراقی، مناهج الاحکام، بی تا: ۱۵۳) و حسین بن محمد تقی نوری که از مهمترین طرفداران این نظر بین شیعیان به شمار می‌رود و کتابی با عنوان «فصل الخطاب» نیز در این باره نگاشته است.

دو. اتفاق نظر علمای بزرگ شیعه بر تمامیت قرآن از آغاز تا عصر حاضر

در مقابل آن گروه اندک که مدعی نقصان مصحف عثمانی هستند^U در طول تاریخ شیعه، بسیاری از عالمان بزرگ شیعی چون: فضل بن شاذان نیشابوری (متوفای ۲۶۰ ق)؛ مرحوم صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)؛ شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق)؛ سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ ق)؛ شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق)؛ مرحوم طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق)؛ سید بن طاووس حلّی (متوفای ۶۶۴ ق)؛ علامه حلّی (متوفای ۷۲۶ ق)؛ محقق اردبیلی (متوفای ۹۹۳ ق)؛ قاضی نورالله شوشتری (متوفای ۱۰۲۹ ق)؛ امام خمینی؛ آیت‌الله معرفت؛ آیت‌الله جعفر سبحانی؛ آیت‌الله فاضل لنکرانی و ... همواره بر تمامیت قرآن و عدم نقصان آن گواهی داده‌اند و در کتب خویش به پاسداری از اعتقاد شیعه پرداخته‌اند (ن.ک. امین عاملی، اعیان الشیعه، ۱۴۰۶: ۱۱/۲۲)؛ حسینی میلانی، التحقيق فی نفی التحریف عن القرآن، بی تا: ۲۲۹؛ نجارزادگان، تحریف ناپذیری قرآن، ۱۳۸۴: ۲۳-۱۸؛ معرفت، صیانه القرآن من التحریف، ۱۳۷۹: ۲۳-۱۹؛ مؤدب و موسوی مقدم، شیعه، تشیع و قرآن، ۱۳۸۷: ۳۰-۲۶). به عنوان نمونه فقیهی چون ابن بابویه که نماینده شاخه‌ی مکتب محدثان شیعی است و نظراتش غالباً بیانگر دیدگاه آنان است، در این باره می‌نویسد: «عقیده‌ی ما این است که قرآنی که خداوند به پیامبرش وحی کرده است، همان قرآن مابین الدفتین است و همان است که در دست مردم است و بیشتر از آن نیست و هر کس که می‌گوید ما عقیده داریم قرآن بیشتر از متن کنونی است، دروغ‌گوست.» (ابن بابویه، الاعتقادات، ۱۴۱۷: ۹۳). بنابراین اگر علی آسانی تتبع کوتاهی در منابع شیعی می‌نمود، از عقیده‌ی صحیح شیعیان آگاه می‌شد و نظر گروهی اندک را به عنوان نظر تمام شیعیان اعلام نمی‌کرد.



سه. تأیید مصحف عثمانی توسط ائمه

دقت در روایات ائمه هدی علیهم السلام روشن می‌سازد، ایشان به وثاقت قرآن محفوظ در مصحف عثمانی اعتقاد داشته‌اند، چنانکه تأیید حضرت علی علیه السلام از برخی روایات قابل دریافت است، از جمله اینکه در حدیثی فرمودند: «اگر امر مصحف‌ها به من نیز سپرده می‌شد، من همان می‌کردم که عثمان کرد». (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی‌تا: ۸/۱). افزون بر تأیید حضرت علی علیه السلام این تأیید در کلام امام صادق علیه السلام نیز به چشم می‌خورد. نقل شده که مردی در حضور ایشان، حرفی از قرآن برخلاف آنچه مردم قرائت می‌کردند؛ قرائت کرد. امام علیه السلام به او فرمود: «دیگر این کلمه را به این نحو قرائت مکن و همان طور که همگان قرائت می‌کنند؛ تو نیز قرائت کن» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۴/۸۲۱). در تفسیر فرات کوفی نیز آمده است که ائمه علیهم السلام این مدعا را که در روایات قدیمی سنیان مطرح شده که نام علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اساساً در آیات قرآن وجود داشته، رد کرده‌اند (کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ۱۳۶۹: ۳۶-۳۸). بنابراین هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که قرآن موجود، همان قرآنی است که در زمان عثمان جمع آوری شده؛ چراکه اگر کوچک‌ترین مغایرتی در جوهره‌ی قرآن و متن آیات وجود داشت، سکوت ائمه‌ی هدی علیهم السلام در برابر آن جایز نبود.

چهار. دلیل عدم ذکر نام ائمه علیهم السلام در قرآن

بنای قرآن بر این است که مسائل را به صورت کلی و به شکل اصل و قاعده بیان کند، نه این که جزئیات و ریز آن‌ها را تشریح نماید، چنان که در مورد بسیاری از اصول و فروع، این گونه بوده است. این مطلب از کلام نورانی امام صادق علیه السلام (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲۷۱/۱ کتاب الحجة، باب ما نص الله ورسوله علی الائمة واحداً فواحداً) نیز قابل دریافت است. ایشان در پاسخ به این سؤال که چرا نام اهل بیت علیهم السلام در قرآن نیامده؛ سه مثال می‌زنند: یکی این که در مورد نماز، قرآن مسئله را به شکل کلی مطرح ساخته و نفرموده که کیفیت و کمیت هر نمازی چگونه انجام شود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله طریقه‌ی اقامه نماز و تعداد رکعات هر نماز را برای مسلمانان بیان فرمودند. دیگر به مسئله زکات مثال می‌زنند که در قرآن فقط به صورت یک اصل مطرح شده، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله تعیین فرمود که به چه اقلامی زکات تعلق می‌گیرد و نصاب هر یک چقدر باید باشد؛ و سوم به احکام حج اشاره می‌فرمایند که در قرآن فقط وجوب حج آمده، اما پیامبر صلی الله علیه و آله شخصاً راه و روش انجام آن را برای مسلمانان تشریح فرمود.^[۴]

با توجه به این دلیل، دیگر جایی برای ادعای حذف آیاتی از قرآن و نقصان مصحف عثمانی، باقی نمی‌ماند. حتی می‌توان گفت: آنان که چنین ادعایی را مطرح می‌کنند، از خط اصلی شیعه منحرف گشته و معارف اهل بیت علیهم السلام چنان که باید بر جان آن‌ها ننشسته است.



پنج. عدم تفاوت مصحف امام علی (علیه السلام) با مصحف عثمانی (موجود) در نص آیات قرآن کریم

به استناد منابع شیعه و سنی، تفاوت مصحف امام علی (علیه السلام) با مصحف موجود (عثمانی) در نص آیات قرآن کریم نبوده؛ بلکه آن مصحف، مشتمل بر ترتیب به حسب نزول، مشتمل بر محکم و متشابه، مشتمل بر تأویل، مقدم شدن آیات منسوخ بر ناسخ و مکی بر مدنی و دربردارنده تفسیر معانی آیات بوده است (حجتی کرمانی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۱۳۹۵: ۳۸۵-۴۱۳؛ محمدزاده و همکاران، مصحف حضرت علی (علیه السلام)، ۱۳۹۵: ۹۱).

شش. تأثیرپذیری علی آسانی از برخی خاورشناسان

بررسی دیدگاه برخی خاورشناسان درباره ی باور شیعه نسبت به مصحف موجود، روشن می سازد که علی آسانی در بیان این اعتقاد شیعه، همسو با خاورشناسانی چون: رژی بلاشر،^[۵] تان کلبِرگ،^[۶] نولدکه،^[۷] پاول زاندز،^[۸] اف بول،^[۹] گلدزیهر،^[۱۰] برونر^[۱۱] آرزینا لالانی و مریم باراشر^[۱۲] قلم رانده است. همچنین بررسی مقاله ی «قرآن شیعی: بازنگری در برداشت گلدزیهر»، اثر جوزف الیاش - یکی از منابع این مدخل - نشان می دهد که سخنان علی آسانی چیزی نیست، جز نقل دیدگاه گلدزیهر که الیاش در مقاله ی خویش به نقد دیدگاه او مبنی بر باورمندی شیعه بر نقصان قرآن پرداخته است. برای روشن شدن بهتر این شباهت، در ذیل به دیدگاه گلدزیهر اشاره می شود:

او می گوید: «شیعیان ادعا می کنند که مصحف عثمان، همان قرآن اصلی نیست که بر پیامبر نازل شد و بسیاری از آیات و برخی سوره ها که در آن ها علی ستایش شده یا به جایگاه برجسته ی او و خانواده اش اشاره شده، به دست عثمان از آن حذف شده اند.» (Joseph Eliash "The Šī'ite Qur'ān: A Reconsideration of Goldziher's Interpretation, Arabica, 16/1(1969), pp.15-24).

از مجموع آنچه گذشت، وجه نادرستی و بطلان سخن علی آسانی و همچنین دیدگاه حقیقی شیعه - از آغاز تا عصر حاضر - مبنی بر تمامیت قرآن موجود و عدم تحریف به نقصان آن، به روشن ترین وجه آشکار گردید.

۵. عدم رجوع به منابع متعدد و اصیل شیعی

اشکال دیگر این مقاله، عدم رجوع به منابع متعدد و اصیل شیعی است. بررسی منابع مورد استفاده ی نویسنده، روشن می سازد که علی آسانی در راستای نگارش این مدخل، از منابع بسیار محدود - تنها از چهار منبع - بهره جسته است که هیچ یک از آن ها نیز از منابع اصیل اسلامی و شیعی محسوب نمی شوند. این درحالی که است که مراجعه به منابع متعدد و دسته اول، یکی از ضروریات تألیف یک مقاله ی متقن و علمی محسوب می شود و از آنجایی که دایرةالمعارف قرآن لیدن مرجعی



علمی برای پژوهشگران غربی جهت شناخت معارف اسلامی و قرآنی است. شایسته بود، علی آسانی در جهت اعتباربخشی و صحت مطالب این مقاله، از منابع معتبر و پذیرفته شده‌ی اسلامی و شیعی استفاده می‌کرد؛ در این صورت قطعاً بسیاری از اشکالات و نقص‌هایی که تاکنون مطرح شد، متوجه این مقاله نبود.

نتیجه

با توجه به متن مقاله و نقدی که درباره‌ی آن گذشت، می‌توان گفت:

- اشاره به برخی از فضایل حضرت علی (علیه السلام) و ارجاع به مدخل‌های دیگر جهت پرهیز از زیاده‌گویی و خروج از موضوع، ازجمله نقاط قوت مقاله‌ی موردبحث است.
- عدم استفاده از آیات، عدم جامعیت و بیان ناصحیح برخی از حقایق مسلم تاریخی مرتبط با فضایل علی (علیه السلام) ازجمله نواقص این مدخل به شمار می‌رود.
- بررسی منابع مورد مراجعه نویسنده روشن ساخت: علت اصلی این نواقص، منابع محدود و بی‌توجهی نویسنده به منابع اصیل اسلامی و شیعی بوده است.
- نواقص مقاله به‌گونه‌ای است که مخاطبان را از فهم صحیح و دقیق نسبت به شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) محروم می‌سازد.



پی‌نوشت‌ها

- [۱] جهت آشنایی بیشتر با فعالیت‌های آموزشی علی آسانی (مجید معارف و سمیه‌سادات اعتصامی، بررسی مقاله خانواده پیامبر ﷺ از دایرةالمعارف قرآن لیدن، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۰: ۱۴/۱۰).
- [۲] مترجم: حسن رضایی هفتادر.

[3]. Alī b. Abī Tālib

The cousin of the Prophet Muhammad and husband of his daughter Fātima. Alī b. Abī Tālib (d. 40 / 661) was among the first to embrace Islam and was renowned for his loyalty to the Prophet and his courageous role in a number of the military expeditions in the defense of the early Muslim community. Also known for his piety, his profound knowledge of the Qurān and the sunna (the exemplary practice of the Prophet; see sunna), he figures prominently in several esoteric traditions in Islam including sūfi sm (see sufism and the Qurān).

Shī ī Muslims — originally “the partisans of Alī” (shīat Alī, see shīa) — citing texts from the Qurān and the hadīth, maintain that on the Prophet’s death the temporal and spiritual leadership of the Muslim community should have devolved to Alī, but instead was usurped by other close Companions of the Prophet (q.v). According to Shī ī doctrine, Alī as the divinely designated imām (q.v.) also bore the responsibility for preserving the divine message of the Qurān after its revelation. Upon his passing, his direct descendants inherited the imamate, although few of them were able to exercise the powers of their position due to persecution by the rival Sunnī rulers as well as the Sunnī religious establishment.

Early Shī ī tradition claims that Alī had in his possession an authentic version of the Qurān which was rejected by his political opponents among the powerful Meccan tribe of the Quraysh (q.v). Instead the vulgate commissioned by his rival, the caliph Uthmān (q.v.), and purged of the verses naming Alī and the other members of the Prophet’s family as the leaders of the community became canonical (see collection of the Qurān). According to the lore of the Twelver (or Imāmī) Shīites, the succeeding imāms secretly passed down Alī’s copy of the Qurān, the contents of

which will be revealed to the world by the messianic twelfth imām. Shī'ī views on the nature of Alī's Qur'ān were gradually modified from the fourth/tenth century onwards, when the majority of Shī'ī scholars came to accept the accuracy of the official Uthmānic vulgate, disputing only the order of the chapters and verses. Alī's Qur'ān, they believed, while not containing any additional revealed texts, presented the chapters and the verses in the original order of their revelation and held as well his personal notes. This original arrangement and Alī's notes were what subsequent imāms passed on. Nevertheless, Alī in his capacity as the imām, was held to possess a special knowledge of the inner meaning of the Qurān and hence was in a position to engage in hermeneutic interpretation (ta'wīl) of the text (see exegesis of the Qurān: classical and medieval). This divinely endowed knowledge which Alī transmitted to his descendants provided the Shī'ī Imāms with insight into the esoteric aspect (bātin) of the revelation, thus enabling him to guide the faithful to a truer and more comprehensive understanding of God's guidance to humanity. The Shī'ī imām in the role of the supreme interpreter of God's revelation is often referred to as the "speaking Qurān (al-Qur'ān al-nātiq), while the text itself is called "the silent leader" (al-imām al-sāmī). See also family of the prophet; shī'ism and the Qurān.

Ali S. Asani

Bibliography

- M. Amir-Moezzi, *The divine guide in early Shi'ism*, trans. D. Streight, Albany 1994, J. Eliash, *The Šī'ite Qur'ān. A reconsideration of Goldziher's interpretation*, in, *Arabica* (1969), 15-24;
E. Kohlberg, *Some notes on the Imamite attitude to the Qur'ān*, in S. Stern, A. Hourani and V. Brown (eds.), *Islamic philosophy and the classical traditions*, Oxford 1972, 24-209.

[۳]. متن روایت چنین است: (عن ابی بصیر قال: سالت ابا عبد الله عليه السلام عن قوله الله عزوجل «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، فقال عليه السلام نزلت في علي بن ابي طالب والحسن والحسين فقلت له: انّ الناس يقولون: فما له لم يسم عليا و اهل بيته في كتاب الله عزوجل؟ قال عليه السلام قولوا لهم: ان رسول الله نزلت عليه الصلاة و لم يسم الله لهم ثلاثاً و اربعاً، حتى كان رسول الله هو الذي فسر لهم ذلك و نزلت عليه الزكاة و لم يسم لهم من كل اربعين درهماً، حتى كان رسول الله هو الذي فسر لهم ذلك و نزل الحج فلم يقل لهم طوفوا اسبوعاً حتى كان رسول الله هو الذي فسر لهم ذلك).



[۵] ن.ک. بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۴ ش: ۲۳۴.

[6] see Etan Kohlberg, 'some notes on the Imamite Attitude to the Quran in: S.M. Stern A. Hourani V. Brown (eds.), Islamic Philosophy and the Classical Tradition, Essays Presented to R. Walzer, Oxford, 1972, pp. 209-224.

[۷] ن.ک. نولدکه، تاریخ القرآن، ۲۰۰۴ م: ۳۲۳/۲.

[۸] ن.ک. زاندز، پاول، قرآن یا امام؟ نگاه شیعه امامی به قرآن، ۱۳۹۵ ش: ۲۵.

[۹] ن.ک. اف بول، دایرةالمعارف الاسلامیه، تحریف، ۱۹۹۸ م: ۶۰۸/۴.

[۱۰] ن.ک. گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۷۴ ش: ۲۹۳.

[۱۱] ن.ک. برونر، مسئله تحریف قرآن در تفاسیر شیعه اثناعشری، ۱۳۹۵ ش: ۱۴۹.

[۱۲] ن.ک. مؤدب، موسوی مقدم، شیعه و قرآن، ۱۳۸۷.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحديد، عبدالحميد بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم، دار احيا الكتب العربيه، قاهره: ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن اثير جزري، علي بن محمد، الكامل في التاريخ، دار صادر، بيروت: ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن جزري، محمد، النشر في القرائات العشر، مصحح علي محمد ضباع، دارالكتب العميه، بيروت: بی تا.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علي، الاصابة في تمييز الصحابه، محقق: علي محمد معوض، دارالكتب العلميه، بيروت: بی تا.
۶. ابن حجر هيثمي، شهاب الدين، الصواعق المحرقة، دار صادر، بيروت: بی ۱۴۱۴ ق.
۷. ابن حنبل، احمد، المسند، محقق احمد محمد شاكر، الرساله، بيروت: ۱۴۱۶ ق.
۸. ابن سعد بغدادی، محمد، الطبقات الكبرى، دارالكتب العلميه، بيروت: بی تا.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علي، مناقب آل أبي طالب (عليه السلام)، انتشارات علامه، قم: ۱۳۷۹ ق.
۱۰. ابن طاووس، علي بن موسى، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، خيام، قم: ۱۴۰۰ ق.
۱۱. ابن عبد البر، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، دار احيا التراث العربی، بيروت: ۱۳۲۸ ق.
۱۲. ابن كثير دمشقي، اسماعيل بن عمر، البداية و النهاية، دار الفكر، بيروت: ۱۴۰۷ ق.
۱۳. ابن مغازلي، علي بن محمد، مناقب الامام علي بن ابي طالب، دارالاضواء، بيروت: بی تا.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مكرم، مختصر تاريخ دمشق، دارالفكر، دمشق: ۱۴۰۴ ق.
۱۵. ابن بابويه، محمد بن علي (صدوق)، الاعتقادات، نشر اسلامي، قم: ۱۴۱۷ ق.
۱۶. امين عاملي، محسن، اعيان الشيعة، دارالتعارف، بيروت: ۱۴۰۶ ق.
۱۷. اميني، عبدالحسين، الغدير، مترجم: محمد باقر بهبودي، بنياد بعثت، تهران: بی تا.
۱۸. بخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاري، مترجم: عبد العلي نور احارري، شيخ الاسلام، خراسان رضوي: چاپ سوم، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. جزائري، نعمت الله، الانوار النعمانية، مجمع ذخائر اسلامي، قم: ۱۳۹۵ ش.
۲۰. جفري، آرتور، مقدمتان في علوم القرآن، مصحح عبدالله اسماعيل صاوي، مكتبة الخانجي، مصر: بی تا.



۲۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق و اعداد: عبدالرحمن المرعشی، دارالمعرفه، بیروت: ۱۴۰۶ ق.
۲۲. حجتی کرمانی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، قم: ۱۳۹۵ ش.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، آل البیت، قم: ۱۴۰۹ ق.
۲۴. حسینی میلانی، علی، التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن، الحقایق، قم: بی تا.
۲۵. حکیم، حسن عیسی، الدراسات الاستشرافیة رؤیة و ایضاح فی المنهج، بنیاد محقق طباطبایی، قم: ۲۰۱۲ م.
۲۶. حلی، حسن بن یوسف، کشف الیقین فی فضایل امیرالمومنین (علیه السلام)، مترجم: حمیدرضا آذیر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۷۹ ش.
۲۷. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، محقق مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت: بی تا.
۲۸. رهبر، محمدتقی، علی علیه السلام ابر مرد مظلوم، بوستان قم، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن، درالمنثور، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.
۳۰. شبر، عبدالله، مصابیح الانوار، بصیرتی، قم: ۱۳۷۱ ش.
۳۱. شوشتری، نورالله بن شرف الدین، احقاق الحق و ازهاق الباطل، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۹ ق.
۳۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالقاموس الحدیث، بیروت: چاپ دوم، ۱۹۶۷ م.
۳۳. عبدالفتاح عبد المقصود، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، مترجم: محمد مهدی جعفری، سایه سخن، تهران: ۱۳۹۰ ش.
۳۴. فخر رازی، محمد بن عمر، البراهین فی علم الکلام، محقق: محمد عزب، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، قم: بی تا.
۳۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، محقق علی بن جمال اشرف حسینی، دارالاسوه، قم: ۱۴۲۲ ق.
۳۶. کریم خانی، حمزه و صمدانی، محمدعلی، علی علیه السلام فراسوی ادیان، نشر دانش، قم: ۱۳۸۳ ش.
۳۷. کوفی، فرات ابن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد الکاظم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.



۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران: چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. گنجی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام، نبأ، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۴۰. مازندرانی، محمد صالح، شرح اصول الکافی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۲ ش.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، الوفاء، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۴۲. محمد زاده، الهام و همکاران، مصحف حضرت علی علیه السلام در منابع علم ائمه، پژوهش نامه علوی: شماره اول، ۱۳۹۵ ش.
۴۳. معارف، مجید؛ اعتصامی، سمیه، بررسی مقاله خانواده پیامبر ﷺ از دایرة المعارف قرآن لیدن، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره دهم، ۱۳۹۰ ش.
۴۴. معرفت، محمد هادی، صیانة القرآن من التحریف، وزارت امور خارجه، تهران: ۱۳۷۹ ش.
۴۵. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مترجم: هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: چاپ دوازدهم، ۱۳۹۰ ش.
۴۶. مک اولیف، دایرة المعارف قرآن، موسسه انتشارات حکمت، تهران: ۱۳۹۷ ش.
۴۷. مؤدب، سید رضا، موسوی مقدم، سید محمد، شیعه و قرآن، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره چهارم، ۱۳۸۷ ش.
۴۸. نجارزادگان، فتح الله، تحریف ناپذیری قرآن، نشر مشعر، تهران: ۱۳۸۴ ش.
۴۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی، مناهج الاحکام و الاصول، نشر اسلامی، قم: بی تا.
۵۰. نوری، حسین، فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب، بی نا، نجف: ۱۲۹۸ ق..
۵۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت، بی تا.
52. Ali S. Asani, Alī b. Abī Tālib, EQ, vol.1, pp.62-63
53. Joseph Eliash "The Shi'ite Qur'ān" a Reconsideration of Goldziher's Interpretation" Arabica, vol.16, pp.15-24, 1969
54. McAuliffe, Jane Dammen, Encyclopaedia of the Quran, Leiden_Boston: Brill, vol.1, 2000
55. William Montgomery Watt, - Muḥammad: Prophet and Statesman, Oxford University Press, 1974
56. <https://www.edx.org/bio/ali-asani>
57. <https://www.nelc.fas.harvard.edu>



Bibliography

1. The Holy Quran.
2. Ibn Abi Al-Hadid, Abdul Hamid Ibn Hebat Allah, Sharh Nahj al-Balaghah, researcher: Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Dar Al-Ahya Al-Kitab Al-Arabiya, Cairo: 1378 AH.
3. Ibn Athir Jazri, Ali Ibn Muhammad, Al-Kamil Fi Al-Tarikh, Dar Sader, Beirut: 1385 AH.
4. Ibn Jazri, Muhammad, Publishing in the Ten Readings, edited by Ali Muhammad Dhaba ', Dar al-Kitab al-Umayya, Beirut: n. d..
5. Ibn Hajar Asqalani, Ahmad Ibn Ali, Al-Asaba Fi Tamiz Al-Sahaba, Researcher: Ali Mohammad Moawad, Dar Al-Kitab Al-Almiyeh, Beirut, n. d.
6. Ibn Hajar Heithami, Shahab al-Din, Al-Sawa'iq al-Muharraqa, Dar Sader, Beirut: Biy1414 AH.
7. Ibn Hanbal, Ahmad, Al-Musnad, Mohaqeq Ahmad Muhammad Shakir, Al-Risalah, Beirut: 1416 AH.
8. Ibn Sa'd Baghdadi, Muhammad, Al-Tabqat Al-Kubra, Dar Al-Kitab Al-Almiyeh, Beirut: Bita.
9. Ibn Shahr Ashob Mazandarani, Mohammad Ibn Ali, Manaqib Ali b. Abi Talib (AS), Allameh Publications, Qom: 1379 AH.
10. Ibn Tawus, Ali ibn Musa, The parties in the knowledge of the religions of the tribes, Khayyam, Qom: 1400 AH.
11. Ibn Abd al-Barr, Acquisition in the Knowledge of the Companions, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut: 1328 AH.
12. Ibn Kathir Damascus, Ismail Ibn Umar, The Beginning and the End, Dar al-Fikr, Beirut: 1407 AH.
13. Ibn Maghazli, Ali ibn Muhammad, Manaqib al-Imam Ali ibn Abi Talib, Dar al-Azwa, Beirut: n. d..
14. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, Brief History of Damascus, Dar al-Fikr, Damascus: 1404 AH.

15. Ibn Babawiyyah, Muhammad ibn Ali (Saduq), Beliefs, Islamic Publishing, Qom: 1417 AH.
16. Amin Ameli, Mohsen, Shiite nobles, Dar al-Ta'rif, Beirut: 1406 AH.
17. Amini, Abdul Hussein, Al-Ghadir, Translator: Mohammad Baqir Behboodi, Besat Foundation, Tehran: Bita.
18. Bukhari, Mohammad Ibn Ismail, Sahih Al-Bukhari, Translator: Abdul Ali Noor Ahrari, Shaykh al-Islam, Khorasan Razavi: Third Edition, 2012.
19. Jazayeri, Nematullah, Al-Anwar Al-Nu'maniyah, Islamic Reserves Association, Qom: 2016.
20. Jeffrey, Arthur, Two Introductions in the sciences of the Qur'an, edited by Abdullah Ismail Sawi, Al-Khanji School, Egypt: n. d.
21. Hakim Neyshabouri, Mohammad Ibn Abdullah, Al-Mustadrak Ala Al-Sahihain, Research and Numbers: Abdul Rahman Al-Marashi, Dar al-Ma'rifah, Beirut: 1406 AH.
22. Hojjati Kermani, Mohammad Baqir, A Research in the History of the Holy Quran, published by the Office of Islamic Culture, Qom: 2016.
23. Hur A'meli, Muhammad ibn Hassan, Shiite means, Al-Albeit, Qom: 1409 AH.
24. Hosseini Milani, Ali, Research on the Denial of Distortion of the Qur'an, Facts, Qom: n. d..
25. Hakim, Hassan Issa, Oriental Studies, Vision and Explanation in Methodology, Mohaghegh Tabatabai Foundation, Qom: 2012.
26. Hilli, Hassan Ibn Yusuf, Discovering Certainty in the Virtues of the Amir al-Momenin (AS), Translator: Hamid Reza Azhir, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: 2000.
27. Khatib Baghdadi, History of Baghdad, Mohaqeq Mustafa Abdul Qadir Atta, Dar al-Kitab al-Alamiya, Beirut: Bita.
28. Rahbar, Mohammad Taqi, Ali (as), the oppressed superman, Qom Park, Qom: second edition, 2005.
29. Souti, Abdul Rahman, Durr Al-Manthur, School of Grand Ayatollah Marashi Najafi, Qom: 1404 AH.



30. Shubbar, Abdullah, Masabih Al-Anwar, Basirati, Qom: 1992.
31. Shoushtari, Noorullah Ibn Sharaf al-Din, ihqaq al-Haqq and izhaq al-Batil, Public Library of Ayatollah Marashi Najafi, Qom: 1409 AH.
32. Tabari, Muhammad ibn Jarir, History of Tabari, Dar al-Qamoos al-Hadith, Beirut: second edition, 1967.
33. Abdul Fattah Abd al-Maqsoud, Imam Ali Ibn Abi Talib, (p b u h), translator: Mohammad Mehdi Jafari, Sayeh Sokhan, Tehran: 1390.
34. Fakhr Razi, Mohammad Ibn Umar, Al-Barahin Fi Ilm Al-Kalam, Researcher: Mohammad Azab, Islamic Information and Documentation Center, Qom: Bit.
35. Kunduzi, Suleiman Ibn Ibrahim, Yanabi Al-Mawda, Mohaqeq Ali Ibn Jamal Ashraf Hosseini, Dar al-Aswa, Qom: 1422 AH
36. Karimokhani, Hamzeh and Samdani, Mohammad Ali, Ali (as) Beyond Religions, Danesh Publishing, Qom: 2004.
37. Kufi, Euphrates Ibn Ibrahim, Tafsir Furat Al-Kufi, Researcher: Mohammad Al-Kadhim, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: Second Edition, 1990.
38. Kulaini, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq, Al-Kafi, Dar al-Kitab al-Islamiya, Tehran: Fourth edition, 1407 AH.
39. Ganji, Muhammad ibn Yusuf, the adequacy of the student in the manaqib of Ali ibn Abi Talib (peace be upon him), Naba, Tehran, 1390.
40. Mazandarani, Mohammad Saleh, Sharh Usul al-Kafi, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: 2003.
41. Majlisi, Mohammad Baqir, Behar al-Anwar, Al-Wafa, Beirut: 1404 AH.
42. Mohammadzadeh, Elham et al., Mus'haf of Imam Ali (as) in the sources of the knowledge of the Imams, Alavi Research Letter: First Issue, 2016.
43. Maaref, Majid; Etesami, Somayeh, Review of the article of the family of the Prophet (PBUH) from the Quran Encyclopedia Leiden, The Qur'an from Orientalists Points of View, No. 10, 2011.

44. Ma'refat, Mohammad Hadi, The Protection of the Qur'an from Distortion, Ministry of Foreign Affairs, Tehran: 2000.
45. Mofid, Mohammad Ibn Mohammad, Al-Irshad Fi Ma'refat Hujajullah Ala Al-Ibad; Translator: Hashem Rasooli Mahallati, Islamic Culture Publishing Office, Tehran: Twelfth Edition, 2011.
46. McAuliffe, Encyclopedia of the Quran, Hekmat Publishing Institute, Tehran: 1397.
47. Mo'addab, Seyyed Reza, Mousavi Moghadam, Seyyed Mohammad, Shia and Quran, The Qur'an from Orientalists Points of View, No. 4, 2008.
48. Najarzagdegan, Fathollah, The Infallibility of the Quran, Mashar Publishing, Tehran: 2005.
49. Naraqi, Ahmad Ibn Mohammad Mahdi, Manahij al-Ahkam wa al-Usul, Islamic Publishing, Qom: n. d..
50. Nouri, Hussein, Last word in the distortion of the book of the Lord of the Lords, Najaf: 1298
51. Ya'qubi, Ahmad ibn Abi Ya'qub, History of Ya'qubi, Dar Sader, Beirut, Bitā.
- Ali S. Asani, Alī b. Abī Tālib, EQ, vol.1, pp.62-63
52. Joseph Eliash "The Shi'ite Qur'ān" a Reconsideration of Goldziher's Interpretation" Arabica, vol.16, pp.15-24, 1969
53. McAuliffe, Jane Dammen, Encyclopedia of the Quran, Leiden_Boston: Brill, vol.1, 2000
54. William Montgomery Watt, - Muḥammad: Prophet and Statesman, Oxford University Press, 1974
55. www.edx.org/bio/ali-asani
56. www.nelc.fas.harvard.edu